

آخرین وظایف منتظران-۵

شاهد نفاق کسانی در آینده خواهیم بود که انتظار نداشتیم

یکی از موارد خوف‌انگیز آخرالزمان، زمانی است که "تشخیص ما" مورد امتحان قرار می‌گیرد. بر اساس فرمایش حضرت امیر(ع)، یکی از راه‌های تشخیص حق و باطل، پیروی کنندگان و طرفداران هر کدام از دو راه هستند.

حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌رضا پناهیان در آخرین جلسه سخنرانی خود در مدرسه علمیه صدر واقع در محدوده بازار تهران، با اشاره به اینکه سخن گفتن از "آخرین وظایف منتظران"، افراد مؤمن و متدین را دچار شدن نوعی "خوف" می‌کند، این خوف سازنده را یکی از برکات مهم این‌گونه مباحث دانست. زیرا امام صادق(ع) فرموده‌اند که: "مؤمن بدون خوف اصلاح نمی‌شود." این استاد حوزه و دانشگاه، با بیان اینکه "یکی از این موارد خوف‌انگیز، زمانی است که "تشخیص ما" مورد امتحان قرار می‌گیرد."، برخی از راه‌های جلوگیری از تشخیص نادرست را بیان کرد و با اشاره به حکمت ۲۶۲ نهج‌البلاغه، گفت: "بر اساس فرمایش حضرت امیر(ع)، یکی از راه‌های تشخیص حق و باطل، پیروی کنندگان و طرفداران هر کدام از دو راه هستند."

در ادامه گزیده‌ای از سخنرانی پناهیان را در جمع طلاب و دانشجویان تهرانی، می‌خوانید:

"به‌طور کلی، روایات مربوط به شدت فتنه‌های آخرالزمان و سختی امتحانات الهی در آستانه ظهور، در دل انسان مؤمن ایجاد نگرانی و خوف می‌کند که البته این نوع خوف، سازنده‌است و سبب اصلاح مؤمن خواهد شد. کما اینکه امام صادق(ع) اصلاح مؤمن را بدون "خوف" ممکن نمی‌دانند: **الْمُؤْمِنُ بَيْنَ مَخَافَتَيْنِ ذَنْبٌ قَدْ مَضَى لَأَيُّرَى مَا صَنَعَ اللَّهُ فِيهِ وَ عُمْرٌ قَدْ بَقِيَ لَأَيُّرَى مَا يَكْتَسِبُ فِيهِ مِنَ الْمَالِكِ فَهُوَ لَأَيُّصِحُّ إِلَّا خَائِفًا وَ لَأَيُّصِلِحُهُ إِلَّا الْخَوْفُ**" (کافی/۷۱/۲). این نگرانی موجب خواهد شد که انسان از خواب خوش خیالی بیدار شده و با دقت بیشتری وقایع را بنگرد. البته معمولاً ما از این خوف گریزانیم و کمتر نگران می‌شویم و عموماً خود را به بی‌خیالی می‌زنیم. به‌همین دلیل اگر کسی بتواند چنین خوفی را به ما هدیه بدهد کار بزرگی انجام داده است. سخن گفتن از آخرین وظایف منتظران این هدیه بزرگ را به ما می‌دهد.

"با آنکه سخن گفتن از آخرین وظایف منتظران در آستانه ظهور، در واقع گفتگو کردن درباره وظایف عمومی و معمولی مومنان است که تنها به دلیل مقتضیات زمان باید بیشتر به آنها توجه کنیم و آنها را در خودمان تقویت کنیم، ولی سختی شرایط خوف برانگیزند. فی‌المثل یکی از مهمترین این ویژگی‌ها مهربانی و دلسوزی نسبت به خویشان و عموم مردم است، که باید در مؤمنین آخرالزمان به‌قدری پررنگ باشد که آنان را به درجات بالایی از ایثار برساند. انسان از تصور این درجه بالای مهربانی که باید در او ایجاد شود و لازمه‌اش از بین رفتن تمام خودخواهی‌ها و تعلقات دنیاست، دچار نوعی "خوف" می‌شود.

"یکی دیگر از این موارد خوف‌انگیز، زمانی است که "تشخیص ما" مورد امتحان قرار می‌گیرد. تشخیص صحیح به ساختار فکری پیچیده ما برمی‌گردد که محفوف و پوشیده شده است در گرایشها و تمایلات انسان. هر کس باید ساختار فکری خود را مورد بررسی دقیق و موشکافانه قرار دهد و آن را اصلاح کند تا در مقام تشخیص دچار اشتباه نشود. چرا که تشخیص غلط نیز در دوران ظهور جرم است و هیچ عذر و بهانه‌ای در این مقام مورد پذیرش نخواهد بود و تقریباً فرصتی هم برای جبران و بازگشت نخواهیم داشت. لذا باید طرز فکرمان را اصلاح کنیم و عقلانی و منطقی ببیندیم.

"البته در برخی روایات، در مورد تشخیص حق از باطل امیدواری‌هایی به مؤمنینی که در آستانه ظهور قرار دارند، داده شده‌است. شخصی نزد امام صادق(ع) از شدت فتنه‌های آخرالزمان ابراز نگرانی کرد و از چگونگی تشخیص حق و باطل در آن فضای غبارآلود پرسید. حضرت چادر خیمه را کنار زد تا نور آفتاب بدون خیمه بتابد. و پرسید این چیست؟ آن شخص پاسخ داد، آفتاب است. حضرت فرمود: "در فتنه‌های آخرالزمان حق برای دوستان ما اهل بیت، مانند این آفتاب روشن و آشکار است." (کافی/۳۳۶/۱)

"این‌گونه روایات در دل مؤمنین ایجاد نوعی امیدواری و شوق می‌کند که درکنار آن خوف و نگرانی که ذکر شد برای به‌سلامت پیمودن این مسیر دشوار به‌ما کمک خواهد کرد. البته این شوق برای کسانی مفید خواهد بود که آن خوف را چشیده باشند و در آنها ایجاد انگیزه کرده باشد و سبب افزایش مراقبت شده باشد. برای کسانی مفید خواهد بود که "طرز فکر منطقی و عقلانی" را تمرین کرده باشند، حساسیت‌ها را تشخیص دهند، در مقام تشخیص دچار اشتباه نشوند و هیچ‌گاه خود را از "مکر نفس" در امان نبینند. کسانی که عیبی را در وجود خود پنهان نکرده باشند و به خودسازی پرداخته باشند.

"در بحبوحه جنگ جمل و فتنه ایجاد شده توسط برخی اصحاب باسابقه رسول خدا(ص)، کسی نزد امیرالمؤمنین(ع) رفت و به ایشان عرضه داشت: من اصحاب جمل را گمراه نمی‌دانم! حضرت فرمود: تو زیر پای خود را دیدی، اما به پیرامونت نگاه نکردی، لذا سرگردان شدی. تو حق را نشناختی تا بدانی که اهل حق چه کسانی هستند و باطل را نیز نشناختی تا باطل‌گرایان را بدانی؛ **إِنَّكَ نَفَرْتَ تَحْتَكُ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ فَحَرَّتْ إِنَّكَ لَمْ تَعْرِفِ الْحَقَّ فَتَعْرِفُ مَنْ أَنَاهُ وَ لَمْ تَعْرِفِ الْبَاطِلَ فَتَعْرِفُ مَنْ أَنَاهُ**(نهج البلاغه/حکمت ۲۶۲) در اینجا حضرت به "نوع نگاه و طرز تفکر صحیح" اشاره می‌کند. در جای دیگری امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: حق با اشخاص شناخته نمی‌شود باید حق را بشناسی تا بتوانی اهل حق را بشناسی. **إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يَعْرِفُ بِالرَّجَالِ بَلْ بِأَبَةِ الْحَقِّ، فَاعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ.**(امالی مفید/۳)

"برای تشخیص حق، باید ساختار فکری درست و طرز فکر صحیح داشته باشیم. مطابق فرمایش حضرت، کسانی که به پایین نگاه می‌کنند و به همه جوانب امر توجه نمی‌کنند دچار اشتباه خواهند شد. باید همه حق را دید نه یک جزئی از آن‌را. برای این کار باید عیوبی که در انسان وجود دارد و بر طرز فکر انسان و قدرت تشخیص او تأثیر منفی دارند، را بشناسیم و اصلاح کنیم. گاهی عیوب کوچکی مانند "رودربایستی" لطمات جبران ناپذیری به انسان خواهد زد. اگر در دفاع از حق یا دفاع از یک مؤمن و محب اهل بیت بخاطر رودربایستی کوتاهی کنیم ضررش را خواهیم دید. چنین عیوبی تنها در رفتار ما تأثیرگذار نیستند بلکه کم‌کم در قدرت تشخیص ما هم تأثیر می‌گذارند. مثلاً اگر به یکی از محبین اهل بیت در نزد ما بی‌حرمتی شود و به ناحق مطلبی گفته شود و ما بدلیل رودربایستی از او دفاع نکنیم، ثمره شومش را خواهیم دید. این گونه رفتارها در آخرالزمان از حساسیت خاصی برخوردار می‌شود.

"امام سجاد(ع) داستانی از امیرالمؤمنین(ع) نقل می‌کند، که در آنجا حضرت امیر(ع) علت گرفتاری یکی از اصحابشان به درد شدید و زجرآور دوماهه را نتیجه رودربایستی در دفاع از سلمان دانستند و به او فرمودند: "ایا آن روز را یاد می‌آید که فلانی در حضور تو به سلمان فارسی به‌خاطر موالاتش نسبت به ما طعنه زد و تو فقط به دلیل رودربایستی و خجالت جوابش را ندادی و تحقیرش نکردی؟ به همین دلیل گرفتار این بلا شدی... " (أَتَذَكُرُ يَوْمَ غَمَرَ عَلَي سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ فَلَانَ وَ طَعَنَ عَلَيْهِ لِمَوَالَتِهِ لَنَا؟ فَلَمْ يَمْنَعَكَ مِنَ الرَّدِّ وَ الْإِسْتِخْفَافِ بِهِ خَوْفٌ عَلَي نَفْسِكَ وَ لَا عَلَي أَهْلِكَ وَ لَا عَلَي وَلَدِكَ وَ مَالِكَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ اسْتَحْيَيْتَهُ. فَلِذَلِكَ أَصَابَكَ...)(مستدرک الوسائل/۳۳۵/۱۲)

"یکی دیگر از آن موارد ظریف که گاهی حساسیت بالایی پیدا می‌کند اینست که گروهی، عیب یک انسان خوب را بهانه قراردادده و از خوبی‌ها فاصله می‌گیرند. در شخصی که در جبهه حق است عیبی مشاهده می‌کنند و به واسطه آن از مسیر اصلی منحرف می‌شوند. البته این‌گونه افراد نوعاً در دل دچار مشکل هستند و تنها در پی بهانه‌ای برای انحراف خود می‌باشند. معاویه قبل از شروع جنگ صفین با استفاده از این حربه برای خود لشگری آماده کرد. درحالی‌که لشکر امیرالمؤمنین(ع) از مدتها قبل آماده جنگ با معاویه بود، او با ترفندهایی جنگ را به تعویق انداخت تا برای خود سپاهی آماده کند و با عیب‌جویی از اطرافیان علی(ع) عده‌ای را به سمت خود کشید. پای رکاب حضرت مؤمنینی بودند که نقش مختصری در کشته شدن عثمان داشتند، هرچند حضرت قبلاً آنان را از این کار نهی کرده بود. معاویه از این نقطه ضعف کوچک در یاران حضرت استفاده کرد و با این حربه توانست عده‌ای را بفریبد و بگوید که در اطراف علی(ع) کسانی هستند که دستشان به خون خلیفه آغشته است.

"یکی از معیارهای خوب ولی ظریف، برای تشخیص حق، اینست که ببینیم چه کسانی در دفاع از یک موضوع یا جریان به پا می‌خیزند. البته این معیار کمی پیچیده است و باید دقت خود را بالا ببریم و دچار اشتباه نشویم. در جریان سؤال شخصی به نام حارث در جنگ جمل که گفته بود: به نظر من طلحه و زبیر و عایشه به حق احتجاج می‌کردند، و نظر حضرت علی(ع) را خواسته بود، حضرت پس از اینکه به او ایراد گرفتند که تو حق را نمی‌شناسی، به عنوان راه‌کاری برای تشخیص حق، فرمودند: **إِنَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَا يَعْرِفَانِ بِالنَّاسِ وَ لَكِنْ اعْرِفِ الْحَقَّ بِاتِّبَاعِ مَنْ اتَّبَعَهُ وَ الْبَاطِلَ بِاجْتِنَابِ مَنْ اجْتَنَبَهُ** (امالی طوسی/۱۳۴) یعنی برای اینکه حقانیت یک جریان را بشناسی، ببین چه کسانی در پی آنند و چه کسانی از آن اجتناب می‌کنند. وقتی آدم‌های بدی و یا حتی دشمنان اسلام از یک جریان حمایت کنند وضع آن جریان معلوم است. در اوج پیچیدگی فتنه‌ها، همواره خداوند روشن‌ترین دلایل را برای تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد. حق هیچ‌وقت به صورت گسترده طرفداران بد پیدا نمی‌کند و انسانهای ناپاک هیچ‌گاه به صورت مداوم یاور حق نخواهند شد. هیچ‌وقت نفاق آن قدر پیچیده نمی‌شود که این علامات و نشانه‌ها را از دست بدهیم.

"بر اساس همین روایت، یکی از روشن‌ترین نشانه‌ها و ملاک تشخیص حق از باطل، "طرفداری دشمن خارجی" است. اینکه انسان ببیند آنان که در فلسطین و عراق و افغانستان و سایر مناطق دنیا، دستانشان به خون بی‌گناهان آغشته است از چه کسانی طرفداری می‌کنند. آمریکا و اسرائیل که به این روشنی در دنیا جنایت می‌کنند، به چه کسانی مایل هستند؟ گویا خداوند نمی‌خواهد کسی دچار اشتباه شود که چنین ملاک و دلیل روشنی را برای ما قراردادده است.

"از یک نگاه می‌توان گفت در فتنه‌های صدر اسلام تشخیص حق و باطل، کمی سخت‌تر از الآن بود چرا که آنان دشمن خارجی مشابه با آنچه ما داریم نداشتند. در چنین فضایی که ما قرار داریم، و تقریباً همه چیز شفاف می‌شود. دشمن خارجی ما با این وضوح از یک جریان حمایت می‌کند، در چنین فضای شفافی، چه کسانی دچار ریزش خواهند شد؟ چرا اینها دقت لازم را ندارند و تشخیص غلط می‌دهند؟ کسانی که خود را از عیوب نفسانی پاک نکرده‌اند و یا بیمار دل هستند. برای چنین فرد بیمار دلی هر چقدر استدلال ارائه شود، باز هم دودل است و تردید دارد. رسول خدا(ص) بحث کردن با چنین افرادی را بی‌فایده دانسته و اصحابشان را از بحث کردن با ایشان نهی می‌فرمودند: **إِيَّاكُمْ وَ جِدَالَ كُلِّ مَقْتُونٍ فَإِنَّ كُلَّ مَقْتُونٍ مُلَقَّنٌ حُجَّتُهُ إِلَىٰ انْقِصَاءِ مَدْيِهِ فَإِذَا انْقَضَتْ مَدَّتُهُ أَخْرَقَتْهُ فِتْنَتُهُ بِالنَّارِ** (توحید صدوق/۴۵۹)

"تنها مقداری ایمان و عقل لازم است برای اینکه به سلامت از فتنه‌های آخرالزمان عبور کنیم. در آینده با کمال تعجب در مقابل دیدگان ما پدیده‌های نوبه‌نوی نفاق، از سوی کسانی که اصلاً انتظارش را نداریم، شکل خواهد گرفت. نباید به خود تردید راه دهیم و حتی نباید غصه آنها را بخوریم؛ به گونه‌ای که غصه خوردن به حال چنین افرادی ما را در پیروی حق دچار تزلزل کند. در جریان بازدیدی که امیرالمؤمنین همراه عمار یاسر از کشته‌های جنگ جمل داشتند، یکی از کشته‌های سپاه عایشه، پسر مقداد صحابی بسیار گرانقدر پیامبر(ص) و علی(ع) بود. عمار یاسر پس از اینکه خدا را بر کشته شدن او شکر کرد **(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَوْقَعَهُ وَ جَعَلَ خَدَّهُ الْأَسْفَلَ؛** خدا را شکر که او را به عمل ناپاکش گرفتار کرده و صورتش را به خاک مالید)، خطاب به امیرالمؤمنین(ع) گفت: **إِنَّا وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا نَبَأُنِي مَنْ عَنَدَ عَنِ الْحَقِّ مِنْ وَلَدٍ وَ وَالِدٍ** (سوگند به خدا از کشتن هیچ فرد منحرفی باک نداریم، پدر باشد یا پسر هم در نظر ما یکسانست) حضرت عمار را تأیید کرده و برایش دعا کردند **(رَجِمَكَ اللَّهُ وَ جَزَأَكَ عَنِ الْحَقِّ خَيْرًا)**

